

تقریظ بر کتاب :

" سیر قانون و قانونیت طی سده اخیر "



میر عبدالواحد سادات
رئیس انجمن حقوقدانان
افغان در اروپا

در سالهای اخیر که بخش بزرگ از آگاهان و شخصیت های متجرب کشور مجبور به مهاجرت گردیده و بخش از دیاسپورا افغانستان را میسازند ، گرایش مثبت بمشاهده میرسد که دانشمندان و اربابان تجربه و دانش به نوشتن و نشر کتاب های مفید اقدام مینمایند و بدینترتیب پل " وصل " با " اصل " و نسل جوان را برقرار مینمایند .

کمال خوشبختی است که درین جمع حقوقدانان عزیز ما پیشگام اندو این یادداشت معطوف بر کتاب " قانون و قانونیت دریک سده اخیر " اثریکی از حقوقدانان سابقه دار و مجرب جناب عبدالواسع غفاری می باشد .

این اثر در دوازده فصل و بخش های متعدد چگونگی مسیرقانون ، ارجعیت و سیادت قانون را دریک قرن قانون گذشته بطورهمجانیه و درورای شکل گیری دولت مرکزی و ایجاد نخستین دولت ملی افغانستان بررسی نموده است .

اهمیت اساسی کتاب ناشی از تمرکز بر یکی از کلیدی ترین مسله درشکل گیری دولت مقتدر ملی در کشورتمرکزنموده است ، متاسفانه درین عرصه کار گسترده انجام نیآفته است .

باتوجه به استقراردولت مرکزی در زمان امیر عبدالرحمن ، و به تعقیب ان انفاذاولین قانون اساسی و ایجادنخستین دولت ملی در عصر شاه امان اله افاده قانون بحیث چتر بزرگ که ازشاه ، حاکم تا اتباع و شهروند راپوشش و مطاع ان باشند ، مطرح میگردد .

بحث قدرت، تحدید و کنترل ان یکی از مباحث اساسی در فلسفه سیاسی، حقوق و سیاست است. نخستین نهضت مشروطیت افغانستان همین موضوع را در سر خط کار خود قرار داد، تا در وجود قانون قدرت مطلقه مهار و محدود گردد.

در رابطه بین قانون و سامان دهی سیاسی، ارسطو به اصالت حکومت مبتنی بر قانون تاکید می کند:

«اصولاً نادرست است که حکومت به جای آنکه تابع قانون باشد، در حیطه اقتدار شخص درآید، زیرا هر شخص گرفتار هوسها و سوداهایی است که روان آدمیزاد از آنها گریزی ندارد.»

افاده قانون قدمتی به سابقه تفکر بشری دارد.

دولت و قانون و روابط حقوقی در ورای تاریخ بقول مردم شناسان حتی در میان ابتدایی قبایل نیز وجود داشته است

قانون به دو معنا در میراث فکری بشر مطرح شده است، یکی به معنای نظم لایتغیری که به سرشت امور مربوط می شود، دیگری به معنای ملاکی برای سامان دهی زندگی انسانی. به هردو معنا، قانون در میراث متنوع بشری جایگاه برجسته ای داشته است.

بدین معنی قانون در تاریخ جوامع انسانی از پیشینه تاریخی طولانی برخوردار است. در طول تاریخ تفکر بشری ماهیت قانون و نسبت آن با مقولاتی چون عدالت، حق، آزادی و سعادت مورد توجه و بحث و مجادله بوده است. مفهوم قانون، اما، پیشینه ای بنیادین در حیات و تفکر بشر دارد، پیشینه ای که با خود تفکر قرین است.

قانون سند و خطاب عمومی ناشی از مصالح کلان و اراده عمومی به تمام مردم بدون هر نوع تبعیض و تمایز است.

واژه قانون معرب یونانی از Kanon است. واژگان مربوط به آن عبارتند از قاعده، رسم، ناموس، دستور و آیین. قانون امری و کلیاحکام الزام آوری است برای تنظیم و سامان حیات جمعی وضع و تعریف می شود.

تا آنجا که به رابطه بین قانون و فلسفه سیاسی مربوط می شود، نقطه شروع قانون قرون ششم و پنجم پیش از میلاد در یونان است. در این زمان نوع خاصی از تفکر بشری شکل گرفت که فلسفه نام گرفته است. فلسفه از آغاز با مقوله قانون عجین بود.

بحث حاکمیت قانون (Rul of Law) یعنی قانون بالاتر از حاکم و شاه و معرف و مدافع حقوق شهروندان و تعیین مکلفیت های شان می باشد .

این بحث در تاریخ سر دراز دارد و تا قبل از میلاد و به یونان باستان و تا ارسطو میرسد که به برتری قانون بر حکومت باور داشت . همچنان در مفهوم مدرن و معاصر تامنشور مگناچارتا و مراحل بعد از صلح وست فالیا و شکل گیری دولت های ملی در مرحله مسلط شدت نظام کاپیتالیزیم میرسد.

حاکمیت قانون در مفهوم انگلوساکسونی ، (رول اف لا) ، جرمنی (دولت بر مبنای قانون) و فرانسه (دولت قانون مدار) که در مجموع همانا قانون برتر ، حاکمیت قانون با تقدم خرد ، خرد گرایی و حاکمیت عقل مرتبط و بیان میگردد.

مونتسکیو در روح القوانین :

" وضع قانون باید با عوامل و شرایط خاصه در حیات اجتماعی یک جامعه یا یک کشور موثر است ، تناسب داشته باشد "

ژان ژاک روسو سازگاری اراده خاص انسان را با اراده عمومی در وجود قانون ، ناشی از فضیلت او میداند . از نظر روسو فضیلت قانون این است که :

حقوق مردم را مسجل و مکلفیت های شانرا مشخص میسازد.

تعریف دولت ملی بامفهوم قانون معنی پیدا مینماید ، دولت مبتنی و متکی بر قانون و قانون محور معرف یک دولت ملی است.

گروسیوس پدر حقوق بین الدول معاصر :

" قانون را فریده تصادفی انسان نمیداند ، بلکه در ان سرنوشت واقعی و ضروری انسان رامی بیند "

سایر دانشمندان و منجمله ولتر و دیدرو با مونتسکیو و گروسیوس همونوا است .

در کتاب " قانون وقانونیت در یک سده اخیر " بر پیشینه قاعده و قانون در ازمنه تاریخ و دوره قبل از اسلاموبعداز ان معلومات جالب وجود دارد .

در مقدمه مبسوط که مولف در آغاز کتاب نوشته است بر سیر ایجاد نخستین اسنادتقنینی از (۱۷۴۷ م) و ایجاد امپراطوری درانی ، تا دوره آغاز تجدد در زمان امیر شیرعلیخان و دوره امیر عبدالرحمن به اختصار مکث نموده و معلومات مفید تاریخی رامتذکر شده است .

تدوین سند رهنما " قانونی " (فتاوی احمد شاهی " در زمان احمد شاه بابا و در دوره های بعدی و در زمان امیر شیر علیخان که تلاش بخاطر ایجاد موسسات دولتی و هیات وزرا و صدراعظم صورت میگیرد و آغاز مرحله تجدد و گذار افغانستان از عقب ماندگی قرون است. امیر عبدالرحمن که بشیوه استبدادی ، خون و آهن قادر به شکلدهی دولت مقتدر مرکزی میشود ، ضرورت تدوین مقررات و قواعد را درک مینماید و :

" فتاوی امیری " ، " نصایح الصبیان " ، " شهاب الحساب " را نافذ میسازد .

و در ادامه در دوره بعدی و زمان امیر حبیب اله :

" نظامنامه های رهداری " ، " تعزیه " و " عروسی " انفاذ میآید .

البته فرصت اساسی تاریخی برای تدوین قانون به مفهوم مدرن ان فقط بعد از استرداد استقلال سیاسی و انفاذ قانون اساسی میسر و معنی پیدامینماید که در بخش دوم کتاب بر آن مکث صورت گرفته است .

در دوره امانی وبا نافذ شدن قانون اساسی بیشتر از صد قانون و مقرر به تصویب میرسد و برای اولین بار به همت مولوی عبدالواسع قندهاری اساس اصول جزایی با توحید احکام فقهی و نشر تألیف کتاب " تمسک القضاة المانیة " بوجود میآید .

درین اسناد تقنینی مواردی اساس گذاشته می شود که امروز بحیث " پرنسپ های مشروعیت جرم و جزا " تعریف و در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی وسایر میثاقها مسجل گردیده است .

در دهه نهضت امانی که آغاز دوره درخشان تقنینی است با حضور حقوقدانان و متخصصین قانونگذاری کشور ترکیه تاثیر حقوق (رومن ژرمنیک) بمشاهده میرسد. در طی یک سده گذشته تلاش گسترده در مقاطع مختلف بخاطر انفاذ قانون و تطبیق ان صورت میگیرد.

انفاذ شش قانون اساسی و صد ها سند تقنینی وضع قوانین در عرصه های مختلف و منحمله انفاذ کد مدنی و جزا از بزرگترین دستاورد های تقنینی افغانستان پنداشته می شود که باید بخاطر تداوم ان تلاش نماییم .

قانون و حاکمیت قانون در یک کشور با مفاهیم توسعه ، تجدد و ترقی پیوند منطقی دارد. قانون و حاکمیت ان ، زمینه ساز رشد ، توسعه و انکشاف گردیده و بر عکس فقدان حاکمیت قانون عواقب هولناک را بار آورده است . بی جهت نیست که درین صد سال دشمنان تمدن،

تجدد و ترقی افغانستان ، از همان ملا عبدالرشید (ملای لنگ) و تا کنون با افاده قانون سر دشمنی داشته اند .

در هر سه بار سقوط نظام ، دوره نه ماهه سقوط و اغتشاش حبیب اله کلکانی و دهه نود انارشی تنظیمی و استبداد طالبان و بعد از پانزدهم اگست (۲۰۲۱ م) افغانستان با سقوط مجدد افغانستان در خلی بزرگ حقوقی و فقدان قانون و حاکمیت ان قرار گرفته است .
 آخرین سقوط نظام در افغانستان ، افزون بر دهها عامل خارجی و داخلی معلول فقدان حاکمیت قانون و در نتیجه فساد گسترده و نقض خشن احکام قانون اساسی و حاکمیت ملی به عوض دیموکراسی ، کلیتوکراسی مستقر گردید .

صد سال گذشته در واقع بازتاب جدل تاریخی تجدد و سنت در جدل مشروعه و مشروطه و بحث گذار به مدنیت و میزان مشروعیت ناشی از تطبیق قانون و افاده قانونیت است که موضوع مطالعه کتاب جناب غفاری می باشد .

کتاب " سیر قانون و قانونیت در سده اخیر " این موضوع را در دوره های مختلف مورد مطالعه قرار داده است و موارد تخطی از قانون ، نقض حقوق مردم ، حقوق بشر و فاجعه حقوق بشری را در مراحل مختلف بررسی نموده است

باوردارم که نشراین اثر ارزشمند ، گام موثر در تلاش پاسداران حاکمیت قانون بخاطر گسترش بحث قانون سالاری و دفاع از حقوق و ازادیهای مردم در پرتو احکام ان باشد .

اصالتاً و به نیابت از شورای رهبری انجمن نشر این اثر ارزشمندرا به مولف گرامی جناب غفاری همکار عزیز و معاون ارجمندانجمن حقوقدانان افغان دراروپا مبارک باد گفته و موفقیت های مزیدشانرا ارزو میبرم .

با حرمت

میر عبد الواحدسادات رییس

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا